

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Art-Satire

ط — نر — هنر

دپلوم انجینر خلیل الله معروفی
برلین – ۱۷ جون ۲۰۱۵

دراکولا هم رفت پشت کلاه خود!!!



در داستانه‌های اروپائی، مردی خیالی وجود داشته به نام "سردار دراکولا"، که قصری داشته در کوهستان "کارپات" مملکت رومانیا. خود شخص دراکولا مگر در تاریخ آن کشور شخص واقعی و معرزی بوده است، ازین سبب از نگاه مؤرخان رومانی پائین آوردن شخصیت این فرد تاریخی در سرحد چین فلمها، در واقع توهینی شمرده میشود به واقعیت‌های تاریخی آن کشور. دراکولا که گویا به مانند حضرت خضر نبی پیغمبر آب حیات خورده بود، محکوم بدین بود، که همیشه زنده بماند و حیات ابدی داشته باشد. او اما مانند هر انسان دگر به قوت لایموت ضرورت داشت، و این قوت لایموت او "خون" بود، خون "دختران باکره" و "دستخورده" و به اصطلاح

۱ - "پشت کلاه خود رفتن" یا "پس کلاه خود رفتن" اصطلاح مشهور کابلی و کنایه از "مردن" است. حالت متعدی آن "پشت (پس) کلاه روان کردن" یا "پشت (پس) کلاه راهی کردن" است، چنان که وقتی گویند "فلانی ره پشت کلاش راهی کرد"؛ یعنی که فرستادش به زیر زمین و دادش به دست حضرت عزرائیل علیه السلام. در المانی هم چیزی شبیه این اصطلاح داریم، که عبارتست از seinen Hut nehmen و den Hut nehmen و مراد از آن استعفاء دادن یا از کار کناره گرفتن و یا پشت کار خود رفتن است.

"نلغه"^۲. ازین رو در مواقع ضرورت و وقتی که به گرفتن خون تازه نیاز داشت، شبکی و در تاریکی شب، ملبس با دریشی فراک سیاه، از قبر یا تابوت خود برخاسته و به سراغ دختران نوباره و نلغه میرفت. دزدکی یا به اصطلاح عامیانه کابلی "نُزکائی" و معمولاً در هیئت خفاش یا "شوپرک چرمی" به پرواز درآمده، دریچه و کلکین چنین دخترکی را آهسته باز کرده، دو نیشدندان بالیده خود را در زیر گلویش فرو برده و تا میتوانست، خون آن قربانی مظلوم را چُش میکرد؛ و آن قدر خونش را چُش میکرد، که دخترک زرد و زار و بی حال و بی مجال و قرخت و درخت میماند؛ در همان بستر خواب خود. اما سِرِّ خدا که قربانی هم استحاله کرده و خود دراکولا میشد و بعد بحیث دستیار وفادار دراکولا و مثل چوکره دراکولا دست به کار میگردید و آدرس دخترکان معصوم را برای سردار خود "دراکولا" پیدا میکرد، تا با بادر و سالار خود یکجای به پرواز درآمده و به بستر قربانی بخزند. و جالب این که چوکره دراکولا خود هم به خون خوردن ضرورت پیدا میکرد و اگر بادرش اندک تعلل به خرج میداد، خودش پیش از بادر خود را به زیر گلوئی قربانی میرساند. مگر اگر گاهی چنین اتفاق ناگواری رخ میداد، دراکولا سر غیظ آمده و در حالی که چوکره را با شدت و پتکه به طرفی تیله میکرد، خود را به سرچشمه فیض خون میرساند. و باز از عجایبات خداوندی ست، که اگر قربانی باکره نمیبود، حال دراکولا به هم میخورد و خون مکیده را استفراق^۳ میکرد.

در سالهای دهه پنجاه و شست قرن بیستم، این فلما سخت رواج یافته بودند و مردم - و خصوصاً زنان و دختران - از دیدن آن و صحنه های هولناک آن، در حالی که از ترس میلرزیدند و بعضاً چشم خود را پت میکردند، بی اندازه زیاد لذت میبردند. از آن زمان تاکنون دهها و شاید صدها فلم دراکولا پر شده است و فلماهای نوع کمپیوتری آن زیاد دستلوت شده و دست به دست میگردد، که لذت فلماهای ثقه قدیمی را ندارند.

بهترین رول را در تاریخ فلماهای دراکولائی، همان ستاره مشهور انگلیسی به نام "کریستوفر لی" Christopher Lee بازی کرده است. وی با قامت بلند و هیئت عالیجاه و "سردار مآبانه" اش این رول را واقعاً طوری بازی کرده است، که دیگران به گردش هم نرسیده اند. فلم بسیار مشهور و منحصر به فرد "رقص شیاطین" را که ترجمه باللفظ ولی نامناسب از Tanz der Vampire المانی و معادلهای دیگر فرنگی آن است، در ایران و به همین نام دوبله کرده بودند و من آن را بار اول در سینمای آریانای کابل دیده بودم. مگر از وقتی که در المان به سر میبرم، هر زمانی که این فلم در سینما و یا تلویزیون نشان داده شده، به تماشایش پرداخته ام. این فلم را رژیسور مشهور پولندی الاصل امریکائی به نام "رومن پولانسکی" Roman Polanski رژی کرده و خود هم در آن بازی کرده است. در هر صورت این فلم شهکاری ست اندرین زمینه. گویند، فردای همان روزی که این فلم در سینماها نمایش داده شد، خانمش از وی رسماً تقاضای طلاق را کرد و گفت، که :

«حالا دگر هر وقتی ترا پیش رویم ببینم، در هیئت "دراکولا" میبینم!!!»

^۲ - "نلغه" (به کسر اول) اصطلاح مردم کابل در معنای "تر و تازه و نژد" است، که در وصف "تره و بادرنگ" و "بعضاً "بادنجان سیاه" و "گندنه" و غیره استعمال میگردد. به قرار کتاب جالب دوجلدی "پژوهشی در تاریخ هزاره جات"، اثر حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، این لغت اصلاً مغولی و در معنای "طفل خُرد" است، که با "ی" به شکل "نیلغه" نوشته و تلفظ میگردد و در هزاره جات محض در همین معنی مستعمل است. مگر مردم کابل آن را در وصف ترکاری - چنان که گذشت - به کار میبندند. کابلیان بعضاً این لغت را از روی طنز و گور و کنایه برای "پسران و دختران نوجوان" هم استعمال میکنند.

^۳ - کلمه "استفراق" تلفظ عامیانه از "استفراغ" عربی ست، که مصدر باب "استفعال" و لغتاً در معنای "فراغت خواستن" است؛ و آن عملی باشد، که طی آن جهاز هاضمه خوراک مسموم و نامطلوب را از طریق دهن بیرون بدهد و خود را از شر خوراک ناپاک و آلوده فارغ بسازد. گرچه "استفراق" معادل کلمه "قی" است، مگر "قی" را مردم کابل به ندرت استعمال میکنند. کلمه "گشتاندن" هم در معنای "استفراق کردن" در بین کابلیان بسیار تداول دارد.

این هنرمند ممتاز بعدها گفته بود، که اگر بازی کردن نقش دراکولا از نگاه هنری برایش بزرگترین موفقیت بوده، از نگاه فامیلی و شخصی بزرگترین ضربه هم بوده، چون بالوسیله خانم محبوب خود را از دست داده است.

"کرسٹوفر لی" انگلیسی بعداً به خاطر خدمات منحصر به فردش در بازی کردن این رول، از طرف "مادر آل" قصر "بکینگهم"؛ یعنی علیاحضرتِ معظمه "ملکه انگلستان" به لقب "سردار" و Sir مفتخر شده و شد Sir Christopher Lee.

هفته گذشته "سردار کرسٹوفر لی" به عمر نود و چند، زندگی خود را به "مادر آل انگلستان" بخشید و زیر تیغ خوناشام حضرت عزرائیل علیه السلام شتافت.

حالا دختران نلغه سراسر جهان و خصوصاً دختران نلغه انگلوسکسون میتوانند، بدون ترس و لرز به بستر خواب بروند، چون آن که هفت جان داشت و مثل پشک هفتدم زنده جاوید پنداشته میشد، اکنون زیر هزاران من خاک خوابیده است. یقین داشته باشند، که دیگر ازین تابوت برنخواهد خاست، تا به صور اسرافیل علیه السلام!!!!!!

(خلیل معروفی - برلین، ۱۶ جون ۲۰۱۵)